Arshive of SID

زبان فارسی و گویش‌های ایرانی
سال اول، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱

نقش قافیهٔ شعر در واژه‌سازی زبان فارسی (مطالعهٔ موردی: اشعار نظامی گنجوی)

دکتر جهاندوست سبزعلیپور[۱] ✉
دکتر حسین اسکندری ورزلی[۲]

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۰۵

چکیده

زبانی ماندگار است که بتواند خود را همپای زمان و نیازهای روز به پیش ببرد. زبان فارسی در آغاز یکی از گویش‌های ایرانی بود که به دلایل متعددی توانست از پشتوانهٔ ادبی عظیمی برخوردار شود و گسترش پیدا کند. راه‌های تقویت زبان بسیار است. امروز نهاد خاصی مثل فرهنگستان زبان به گسترش زبان فارسی کمک می‌کند اما در گذشته هرکدام از شاعران بزرگ خود تلاش‌هایی کرده‌اند که بی‌توجهی به الگوهای واژه‌سازی آنها شاید آسیب‌های زیادی به زبان فارسی بزند. نقش شعرا در کمک به زبان فارسی، افزایش امکانات دستوری است. منظور از امکانات دستوری مجموعهٔ امکانات یا ظرفیت‌هایی است که یک زبان در اختیار کاربران خویش قرار می‌دهد تا راحت‌تر بتوانند ارتباط برقرار کنند و با کمترین انرژی بیشترین بازدهی را داشته باشند. در این پژوهش شعر نظامی گنجوی بررسی شده تا مشخص شود که او چه مقدار برای زبان فارسی امکان‌سازی کرده‌است. هدف مقاله اثبات این امر است که نظامی با اغتنام از محدودیت‌های ناشی از قافیهٔ شعر، دست به نوآوری‌هایی زده‌است که هم به زیبایی شعرش کمک کرده و هم خدمات شایانی به زبان فارسی و شعرای بعد از خود نموده‌است.

واژگان کلیدی: واژه‌سازی، ترکیب، اشتقاق، امکانات زبانی، نظامی، قافیه، گسترشِ زبان فارسی

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت ✉ sabzalipor@gmail.com
۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

www.SID.ir

Arshive of SID

۱- مقدمه

هر زبانی برای ماندگاری خود از شگردهای خاصی استفاده می‌کند. اگر زبانی روش‌های تقویت و ماندگاری خود را نتواند پیدا کند نابود خواهد شد. چه بسیار زبان‌هایی که به دلایل متعددی نتوانستند خود را تقویت کنند و از چرخهٔ روزگار خارج شدند. زبان توانا همچون بدن تواناست که از عضله‌های تقویت‌شده‌ای برخوردار است و می‌تواند در هنگام مواجهه با ضعف و مشکل مقاومت کند. راه‌های تقویت زبان بسیار است. یکی از این راه‌ها واژه‌سازی است.

زبان فارسی یکی از زبان‌ها و یا بهتر بگوییم یکی از گویش‌های ایرانی است که به دلایلی متعدد - که در این مجال بیان‌شدنی نیست- به جایی رسیده و چنان پشتوانه‌ای ادبی دارد که فقط زبان‌هایی اندک می‌توانند با آن برابری کنند.

بنابه نوشته محققان، زبان فارسی که امروزه در ایران و چندین کشور دیگر به آن گفتگو می‌شود، ادامهٔ زبان دری است و زبان دری روزگاری یکی از گویش‌های زبان فارسی میانه (پهلوی) بوده و پهلوی نیز گویشی از زبان فارسی باستان - زبان پادشاهان هخامنشی و کتیبه‌های آنها - است. به نوشتهٔ لازار (۱۳۸۴: ۹۹) دری صورت تحول‌یافتهٔ پارسیگ (فارسی میانه یا پهلوی) است که در عصر ساسانیان زبان محاوره‌ای یا گفتاری پایتخت ساسانی بوده‌است. صادقی (۱۳۵۷: ۲۹) ضمن تأیید این نظر معتقد است «دری در زمان ساسانیان به موازات پهلوی وجود داشته و در گفتار به‌کار می‌رفته و زبان پهلوی در اواخر ساسانی به صورت زبانی مرده درآمده بود». این شواهد نشان می‌دهد زبان دری، که فارسی امروز ادامهٔ آن است، چندان زبان ادبی نبود، بلکه زبان گفتار و محاوره بود و بعدها به پشتوانهٔ ادب فارسی دورهٔ اسلامی چنین جایگاهی به دست آورد.

اگر قبول کنیم که زبان فارسی یکی از گویش‌های ایرانی بوده که بخت داشته تا زبان دربارِ حاکمان دورهٔ اسلامی شود و به مدد ایران‌دوستی، خویشتن‌دوستی و نیاز پادشاهان به ستایش و چندین دلیل ریز و درشت دیگر به جایگاه عظیمی برسد، باید پرسید زبان فارسی چگونه به این جایگاه بزرگ رسید و این همه وسعت پیدا کرد.

بارها شنیده شده‌است که زبان فارسی زبانی بزرگ است. بزرگ یعنی چه؟ چگونه زبانی بزرگ می‌تواند باشد؟ آیا زبانِ بزرگ بیش از دیگر زبان‌ها از نظام آوایی برخودار است؟ آیا نحو زبانِ بزرگ، نحوی پیچیده‌است؟ آیا چنین زبانی ضمایر زیادی دارد؟ طبیعی است که اینها هیچ‌کدام نمی‌تواند عاملِ بزرگیِ زبان باشد. زبان فارسی به دلایلی متعدد بزرگ است و یکی از آنها عظمت واژگان زبان فارسی است که از دیوان‌ها و کتاب‌های مختلف به دست آمده‌است.

www.SID.ir

Arshive of SID

شاید برای نشان دادن عظمت این زبان بتوان چندین جلد فرهنگ لغت نوشت و این کاری است که نمونه‌اش - فرهنگ جامع زبان فارسی - در حال شکل‌گیری است و جلد اولش چاپ شده‌است (نک. صادقی: ۱۳۹۲). انوری در مراسم رونمایی از *فرهنگ بزرگ سخن* گفته‌است که برای واژهٔ «آتش» ۱۱ معنی آورده، ولی در *فرهنگ جامع* برای «آتش» ۳۰ معنی آمده‌است (نک. صادقی، ۱۳۹۲: ۳۵۹- ۳۶۲). این همه معنی طبیعتاً در یک قرن و از یک متن استخراج نشده، شاعران بزرگ زبان فارسی در این امر نقش مهمی دارند.

نقش شعرا در کمک به زبان فارسی، افزایش امکانات دستوری[1] است. منظور از امکانات دستوری مجموعهٔ امکانات یا ظرفیت‌هایی است که یک زبان در اختیار کاربران خویش قرار می‌دهد تا راحت‌تر بتوانند ارتباط برقرار کنند و با کمترین انرژی بیشترین بازدهی را داشته باشند. امکانات زبانی در همهٔ بخش‌های زبان اتفاق می‌افتد، یکی از این موارد، واژه‌افزایی در بخش‌واژگان است. واژه‌افزایی به معنی افزودن یک واژهٔ تازه به واژه‌های قدیم زبان است که می‌تواند به چندین روش انجام گیرد.

مطالعهٔ الگوهای صرفی یا ساخت‌واژه کمک فراوانی به گسترش زبان فارسی در عصر حاضر خواهد کرد. هیچ‌کس و هیچ نهادی بدون توجه به این الگوهای ساخت‌واژی نمی‌تواند ادعای کمک به زبان فارسی داشته باشد. در زبان فارسی گاه هر شاعر به تنهایی و به‌طور مستقل موفق شده‌است الگو یا الگوهای خاصی برای واژه‌سازی ارائه کند.

در این پژوهش سعی شده‌است شعر یکی از شاعران زبان فارسی از این منظر بررسی شود تا نشان داده شود که شاعران چگونه می‌توانند در زنده نگه‌داشتن، تقویت و ارتقای جایگاه، گستردن، و نیز به‌روز نگه‌داشتن زبان فارسی نقش داشته باشند و این روند نیز ادامه یابد. برای این منظور شعر نظامی گنجوی انتخاب شده تا مشخص شود وی چه مقدار برای زبان فارسی امکان‌سازی کرده‌است. این مقاله در پی اثبات این امر است که چطور نظامی با استفاده از محدودیت‌های قافیهٔ شعر، دست به نوآوری‌هایی زده که هم به زیبایی شعرش کمک کرده و هم خدمات شایانی به زبان فارسی و شعرای بعد از خود کرده‌است. نظامی در تنگنای قافیه واژه‌هایی ساخته که در نوع خود بی‌نظیر است و اگر بخواهیم یک شاعر موفق زبان فارسی را در واژه‌سازی معرفی کنیم او می‌تواند نظامی باشد. نبوغ و خلاقیت نظامی در ترکیب‌سازی قابل مقایسه با هیچ شاعر دیگری نیست.

1. Grammatical Options

www.SID.ir

Arshive of SID

۲- پیشینهٔ بحث

تأکید این مقاله بر دو نکته است: واژه‌سازی در نظامی و کشف امکانات زبانی یا دستوری تازه در زبان فارسی.

در ترکیب‌سازی زبان فارسی و نقش آن در گسترش زبان، تحقیقات فراونی انجام شده‌است اما به ترکیب‌سازی آثار نظامی کمتر پرداخته‌اند. سمیعی (گیلانی) (۱۳۷۹) در مقالهٔ «ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه‌سازی»، به نقش این دو فرایند در واژه‌سازی پرداخته‌است. علی‌یوسفی (۱۳۷۰: ۲۷-۲۸) در مقاله‌ای کوتاه به ترکیب‌سازی در *مخزن‌الاسرار* نظامی توجه کرده و نوشته‌است: «یک نکتهٔ بسیار جالب در مورد کلمات مرکب در *مخزن‌الاسرار* نظامی که بیانگر قدرت شگرف نظامی در واژه‌سازی است، عدم تکرار ترکیبات تازه است. به این معنی که هر یک از کلمات تازه‌ای که در *مخزن‌الاسرار* به کار رفته، فقط یک بار به کار رفته و تکرار نشده‌است. در *مخزن‌الاسرار* حدود بیش از ۴۵۰ کلمهٔ جدید وجود دارد، از میان این تعداد کلمه در منظومه‌ای بالغ بر ۲۲۵۰ بیت، تقریباً ۹۸ درصد غیرتکراری است. به‌عبارت دقیق‌تر در میان ۴۵۰ ترکیب که ساختهٔ نظامی است، حدود پانزده کلمه - آن‌هم هرکدام فقط یک‌بار - تکرار شده‌است». عاصی (۱۳۷۱: ۳۰۰) در مقاله‌ای به نقش ترکیب‌سازی‌های نظامی پرداخته و اهمیت ترکیب‌سازی در زبان فارسی را خاطرنشان کرده و نوشته‌است: «بیشتر ساخت‌های اشتقاقی فارسی برپایهٔ بنِ فعل ترکیبی شکل می‌گیرند و درحقیقت جبران‌کنندهٔ سیستم بستهٔ افعال ساده و ساخت‌های اشتقاقی، سیستم باز و قابل گسترش افعال ترکیبی است». قاسمی‌پور (۱۳۹۰: ۱۱۸) که در مقاله‌اش سعی کرده هنر ترکیب‌سازی نظامی را برمبنای دیدگاه فرمالیست‌های روسی بررسی کند نوشته‌است: «هرچند هنوز فرهنگ‌نامه‌ای تاریخی از ترکیبات اشتقاقی در زبان فارسی در دست نیست تا ترکیبات اشتقاقی شعر نظامی براساس آن بررسی شوند، باور نگارنده براین است که بیشتر این ترکیبات را نظامی ساخته و پرداخته و وارد زبان فارسی کرده‌است».

محققان زبان فارسی به امکانات زبانی کمتر توجه کرده‌اند. سبزعلیپور (۱۳۹۲) در مقالهٔ «امکانات دستوری و لزوم توجه به آنها در شعر فارسی (مطالعه موردی: شاهنامه فردوسی)» به بررسی نقش امکاناتی پرداخته که شعرا ایجاد و با آنها زبان فارسی را توانمند کرده‌اند. هدف تحقیق بررسی امکانات دستوری برای نشان دادن توانایی زبان فارسی در سرودن شعر و نیز لزوم توجه به این امکانات برای شناسایی سازوکارهای برون‌رفت شعرا از تنگناهای دستوری در

www.SID.ir

Arshive of SID

سرودن شعر است. رضایی (۱۳۹۰) به بررسی امکانات دستوری کشف شدهٔ سعدی در *بوستان* پرداخته‌است.

تحقیقات دیگری نیز در آثار نظامی شده، اما هیچ‌کدام به نقش قافیه و اهمیت آن در واژه‌سازی نپرداخته‌اند. به‌عبارتی‌دیگر، به توصیف محصولات و ساخته‌های زبانی نظامی پرداخته‌اند اما بررسی نکرده‌اند که چرا نظامی این‌همه ترکیب جدید ساخته‌است.

۳- نقش شاعران در تقویت زبان فارسی

کاربران و محققان هر زبانی به طریقی سعی دارند زبان خود را مطابق نیازهای زمان به پیش برند، یعنی سعی می‌کنند تا زبانشان چنان قوی باشد که بتواند مطابق نیاز روز پیش برود. در این مهم تعدادی از زبان‌ها به اقبال دست پیدا می‌کنند و تعدادی نیز بخت آن را ندارند که همپای زمان باشند و خاموش می‌شوند. هر زبانی با استفاده از روش‌های خاصی سعی دارد تا خود را با نیازهای روز هماهنگ کند، یعنی برای رفع نیازهای تازهٔ خود واژه‌سازی کند.

زبان‌شناسان سعی کرده‌اند زبان‌ها را به انواعی طبقه‌بندی کنند تا ردهٔ آنها مشخص شود. به‌عنوان نمونه آگوست ویلهلم فن‌شلگل (به نقل از عاصی، ۱۳۷۱: ۲۹۸-۲۹۹) در سال ۱۸۱۸ همهٔ زبان‌ها را به سهٔ دسته بزرگِ زبان‌های بدون ساخت دستوری، زبان‌های وندی، و زبان‌های تصریفی[1] تقسیم نمود و گروه سوم را در دو دستهٔ ترکیبی و تحلیلی گنجاند. به نظر وی بیشتر زبان‌های کهن مانند یونانی، لاتینی، سنسکریت، - و احتمالاً فارسی باستان - در شمار زبان‌های ترکیبی می‌آیند و صورت تحول‌یافته و نوین آنها در گروه زبان‌های تحلیلی جای می‌گیرد.

قرار گرفتن یک زبان در یک دسته تا حدی روش واژه‌سازی آن را مشخص می‌کند. ساخت واژهٔ جدید روش‌های زیادی دارد. در زبان فارسی برخی محققان - برای نمونه، افراشی (۱۳۸۶)، غلامعلی‌زاده (۱۳۹۰) - سعی کرده‌اند تعدادی از این روش‌ها را بیان کنند. به طور کلی فرایندهای واژه‌سازی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- اشتقاق؛ ۲- ترکیب؛ ۳- اشتقاق/ ترکیب؛ ۴- قرض‌گیری[2]؛ ۵- ادغام[3]؛ ۵- سرواژه‌سازی[4]؛ ۶- کوتاه‌سازی[5]؛ ۷- تبدیل[6]؛ ۸- پس‌سازی[7]؛ ۹- تکرار[8].

1. flexional
2. brrowing
3. blending
4. acronym formation
5. clipped
6. conversion
7. back formation
8. reduplication

www.SID.ir

Arshive of SID

از بین این روش‌ها در زبان فارسی، بـه دو روش؛ اشـتقاق و ترکیـب‌سـازی، بـیش از همـه توجه شده‌است. همهٔ کسانی که پدیـدهٔ واژه‌سـازی زبـان فارسـی را بررسـی کـرده‌انـد، سـعی نموده‌اند با استفاده از پیکرهٔ زبانی به توصیف آن بپردازنـد و کسـی سـهم نهـادهـا، اشـخاص و مردم را در این امر مشخص نکرده‌است. به عنوان مثال کسی بررسی نکرده که زبان فارسی کـه ادامهٔ زبان دری است، چگونه این‌همه امکانات زبانی به دست آورده و یا سهم هـر شـاعر چقـدر است. اگر بتوان روزی همهٔ متون کهن را از این حیث بررسی کـرد و بـه جـواب سـؤالات زیـر رسید، شاید خیلی از مجهولات زبان فارسی معلوم شود:

۱- هر نویسنده یا شاعر، چه مقدار از امکانات موجـود زبـان فارسـی اسـتفاده کـرده و چـه مقدار امکان زبانی را به زبان فارسـی اضـافه کـرده‌اسـت؟ بـه‌عبـارت دیگـر، آیـا جیـره‌خـوار و مصرف‌کننده بوده یا تولیدکننده و خلاق؟

۲- دیگران از امکانـاتی کـه یـک شـاعر یـا نویسـنده بـه زبـان فارسـی افـزوده‌اسـت، چـه استفاده‌هایی کرده‌اند؟ به‌عبارتی دیگر، ترکیب تازه‌ای که یک شاعر در موقعیت خـاص سـاخته، آیا بعد از او به کار رفته یا فراموش شده‌است؟

۴- نقش قافیه در واژه‌سازی شعر نظامی

خلاقیت‌ها و نوآوری‌های نظامی، شعر او، به ویـژه شـعر نمایشـی او را در منظومـه‌هـای *خسـرو و شیرین*، *لیلی و مجنون* و *هفت‌پیکر* بر قله قرار داده‌اسـت. دلایـل ایـن امـر بسـیار اسـت و قصـد بررسی این دلایل نیست، فقط به عنوان نمونه یک مهارت نظامی ذکر می‌شود تا توانمنـدی او در سرودن شعر سنجیده شود. واژگان در دست نظامی همچون موم هستند. او با قدرت بـی‌نظیـرش نه تنها در بخش قافیهٔ شعر، بلکه در تمام بخش‌های یـک بیـت و در سراسـر اشـعار خـویش بـه هنرنمایی پرداخته‌است. وی هر جا قصد کرده دست به خلـق واژه زده و هـر جـا احسـاس کـرده شعرش تکراری است ترکیب تازه ساخته تا با تازگی واژه، جان تازه‌ای به شعر ببخشد.

در این تحقیق، منظور از واژهٔ جدید، هر کلمهٔ تازه‌ای است که از طریـق فراینـد واژه‌سـازی اشتقاق و ترکیب ساخته شده باشد. منظور از ترکیب نیز کلمات مرکبی است که تشکیل شـده از دو جزء هستند. مثلاً ممکن است مرکب از اسم + صفت؛ اسم + اسم؛ صفت + اسـم؛ صـفت+ صفت؛ اسم+ بن فعل؛ صفت+ بن فعل و ... باشند. همچنان‌که گذشـت، نظـامی کمتـر واژه‌هـا و ترکیبات ساختهٔ خویش را تکرار می‌کند. در ایـن بخـش فقـط آن دسـته از ترکیبـاتی بررسـی می‌شود که در جایگاه قافیه قرار گرفته و احتمالاً نظامی آن ترکیبـات را بـه دلیـل رعایـت وزن

www.SID.ir

Arshive of SID

ساخته‌است. ناگفته پیداست که چنین حکمی از قدرت شاعرانگی نظامی نه‌تنها کم نخواهد کـرد، بلکه بدان خواهد افزود، چرا که در این تنگناها قدرت شاعرِ خود را به رخ خواننده می‌کشد.

این ویژگی از واژه‌سازی نظامی مختص یک اثر و یا یک منظومه نیست، بلکه در همهٔ اشعار نظامی چنین واژه‌سازی‌هایی به چشم می‌خورد. در ایـن تحقیـق واژه‌هـا و ترکیبـات برسـاختهٔ نظامی در چند بخش به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

الف- ترکیبات یا واژه‌هایی که فقط یک بخش آنها جزئی از قافیه است و با یک کلمهٔ مفـرد هم‌قافیه شده‌اند؛

ب- واژه‌هایی که دوجزیی هستند و با یک کلمهٔ دوجزیی دیگر هم‌قافیه شده‌اند.

در زیر نمونه‌هایی از هر دو دسته ارائه می‌شود. برای دیدن بهترِ شـواهد و مشـخص شـدن درست نوع واژه‌ها و کلمات قافیه، فقط کلمات قافیه ردیـف شـده‌اسـت و در ادامـهٔ آن، نمونـه اشعار به طور کامل ذکر خواهد شد:

دستهٔ اول: قافیهٔ مصرع اول دوجزئی، قافیهٔ مصرع دوم یک‌جزئی[1]:

---------- زلیخاپناه / ---------- چاه (م، ۹/۲۵)
---------- سحرافروز / ---------- روز (م، ۱۱/۲۵)
---------- خنده‌ناک / ---------- چاک (م، ۱۴/۲۵)
---------- شکرخنده / ---------- افکنده (م، ۲۹/۲۶)
---------- سبزخوان / ---------- آسمان (م، ۵۴/۲۷)
---------- زرین‌رسن / ---------- یاسمن (م، ۶۷/۲۷)
---------- جگرخواره / ---------- پاره (م، ۱۶/۲۸)
---------- نظرتاب / ---------- آب (م، ۲۶/۲۹)
---------- کهن‌زاد / ---------- یاد (خ، ۱/۱۴۶)
---------- انصاف‌سازی / ---------- بازی (خ، ۳۱/۱۴۹)
---------- آب‌دستی / ---------- بستی (خ، ۴/۱۵۱)
---------- خلوت‌ساز / ---------- دراز (ه، ۱۵/۷۳۴)
---------- دانش‌آبادی / ---------- استادی (ه، ۶۷/۷۲۶)
---------- تضرع‌ساز / ---------- آواز (ه، ۱۰۶/۶۷۳)
---------- خجسته‌نامان / ---------- خرامان (ل، ۵۹/۴۷۹)
---------- آتشین‌تاب / ---------- خواب (ه، ۸۶/۴۹۴)
---------- نشانه‌گاه / ---------- ماه (ل، ۴۵/۵۲۷)
---------- پیش‌رکاب / ---------- خطاب (ه، ۶/۶۷۸)

معلوم است که تعدادی از این ترکیبات نادر هستند و این را باید مدیون تنگنای قافیه بـود. اگر بتوان با نرم‌افزاری کلماتی را از زبان فارسـی کـه بـه âh- خـتم شـده‌انـد اسـتخراج نمـود، احتمالاً واژه‌های زیادی نمی‌توانند با کملهٔ «شاه» هم‌قافیه شوند، مگر اینکـه واژه‌هـای تـازه یـا

www.SID.ir

Arshive of SID

کلماتی مرکب ساخته شوند که معنای جدیدی پیدا کنند. به عنوان نمونه معنای واژهٔ «رکاب» در ساخت ساده با معنای همین واژه در ساخت مرکب؛ «پیش‌رکاب» تفاوت دارد. با این کار هم شاعر به گسترش زبان فارسی خدمت کرده و هم برای دیگر شاعران امکان‌سازی کرده‌است.

اگر کلمات زبان را همچون جورچین[1] فرض کنیم، هر کلمهٔ تازه در حکم یک تکه از جورچین خواهد بود و دست بازیگر را باز می‌گذارد تا از امکانات بیشتری استفاده کند. شاعرانی چون نظامی که دست به کشف چنین امکاناتی زده‌اند اندک‌اند. بیشتر شعرای زبان فارسی استفاده‌کنندگان امکانات شاعران قبل از خود هستند. البته این نه فقط در واژه‌سازی که در بلاغت نیز چنین است. شاعرانِ خالقِ استعاره‌های جدید اندک‌اند، بسیاری از شاعران از استعاره‌های کهنه و حتی مرده [۲] استفاده می‌کنند.

دستهٔ دوم: قافیهٔ مصرع اول یک‌جزئی، قافیهٔ مصرع دوم دوجزئی:

---------- افسانه / ---------- آتش‌خانه (م، ۹/۲۵)
---------- سال / ---------- ورق‌مال (م، ۱۱/۲۵)
---------- سریر / ---------- تخت‌گیر (خ، ۸/۱۴۶)
---------- باز / ---------- گنج‌پرداز (خ، ۴۸/۱۶۷)
---------- نخجیر / ---------- زبون‌گیر (خ، ۷۰/۱۷۱)
---------- خسرو / ---------- روارو (خ، ۳۲/۱۷۷)
---------- فرمود / ---------- زودازود (ه، ۵۷/۶۷۶)
---------- باز / ---------- رعایت‌ساز (ه، ۹۴/۶۸۵)
---------- خویشان / ---------- چابک‌اندیشان (ه، ۱۵/۶۹۶)
---------- به / ---------- صلاح‌ده (ه، ۳۵/۷۴۹)
---------- نزاری / ---------- طعام‌خواری (ل، ۳۳/۵۵۲)
---------- برومند / ---------- سجده‌پیوند (ه، ۱۸۵/۷۵۲)
---------- برخاست / ---------- راستاراست (م، ۱۶/۲۸)

دستهٔ سوم: قافیهٔ مصرع اول دوجزئی، قافیهٔ مصرع دوم دوجزئی:

---------- دست‌کاری / ---------- غمگساری (م، ۳۵/۱۴۱)
---------- دل‌پسند / ---------- شهربند (خ، ۳۹/۱۴۲)
---------- پارسی‌خوان / ---------- پارسی‌دان (خ، ۱/۱۶۹)
---------- راه‌داران / ---------- کام‌کاران (ه، ۴۸/۷۳۵)
---------- جهان‌گیر / ---------- آسمان‌گیر (ل، ۱۰۲/۴۸۲)
---------- ناجوانمرد / ---------- رایگان‌گرد (ل، ۴۶/۵۰۷)
---------- اسیربندی / ---------- نشاط‌مندی (ل، ۶۰/۵۱۱)
---------- بی‌وفایی / ---------- خلاف‌رایی (ل، ۴/۵۰۹)
---------- تیزهوشی / ---------- زبان‌فروشی (ل، ۴/۵۱۷)

1. puzzel

www.SID.ir

Arshive of SID

پیداست که شاعر ترکیبات تازهٔ «راستاراست»، «زودازود»، «رواروِ» را با تکرار ساخته‌است. وی علاوه‌بر چشم‌داشتن به قافیه و رفع مشکل آن به صناعات ادبی نیز التفات داشته و مهارت خویش را در استفاده از ایهام تناسب نشان داده‌است.

نمونه‌های دیگر:

سرآهنگ پیشینه کج‌رو کند نوایی دگر در جهان نو کند

(اقبال‌نامه: ۲/۱۳۱۷)

در این بیت شاعر به خاطر هم‌قافیه کردن واژه‌ای تازه با «نو» ترکیب «کج‌رو» را ایجاد کرده‌است، نیز «سرآهنگ» که یک ترکیب است، با نوا تناسب دارد.

دو باشد مگس انگبین‌خانه را فریبنده چون شمع پروانه را

(همان:۱۱۵۲/۱۳۲۱)

شاعر کلمهٔ دوم ترکیب «انگبین‌خانه» را با واژهٔ «پروانه» هم‌قافیه کرده‌است.

به داد و دهش چیره‌بازو بود جهان‌بخش بی هم ترازو بود

(همان: ۱۲/۱۳۲۳)

در بیت پیش شاعر برای قافیه، واژهٔ «چیره‌بازو» را ساخته تا با «ترازو» از نظر وزنی متناسب باشد.

نه چون خام‌کاری که مستی کند به خامه زدن خامه‌دستی کند

(همان: ۱۴/۱۳۲۴)

شاعر «مستی» را با «خامه‌دستی» هم‌قافیه کرده و با تکواژ «خام» که سه بار تکرار شده، هنرنمایی‌هایی کرده‌است.

به زخم خودش کردم از زخم پاک نشد زخمه‌زن تا نشد زخمناک

(همان: ۵۰/۱۳۳۳)

در بیت پیش شاعر پاک و زخم‌ناک را هم‌قافیه کرده و چهار بار تکواژ «زخم» را به کار برده. نظامی زخم‌ناک را در معنای سرودخوان به کار برده‌است.

شه آورد شاه نظر بسته را مهی از دم اژدها رسته را

(همان: ۷۴/۱۳۳۷)

شاعر جزءِ دوم ترکیب «نظر بسته» را با واژهٔ «رسته» هم‌قافیه کرده‌است.

به کم مدتی شد چنان سیم‌سنج که شد خواجهٔ کاروان‌های گنج

(همان: ۴/۱۳۴۶)

www.SID.ir

Arshive of SID

شاعر جزءِ دوم ترکیب «سیم‌سنج» را با واژهٔ «گنج» هم‌قافیه کرده‌است. در بیتی دیگر، شاعر کلمهٔ گنج را قافیه قرار داده و برای جلوگیری از تکرار به جای «سیم‌سنج» از ترکیب «گنجینه‌سنج» استفاده کرده‌است:

که چندین ترازوی گنجینه‌سنج به یکجای چندان ندیده‌ست گنج
(همان: ۱۴۳/۱۳۴۶)

به تعلیق آن درس پنهان‌نویس که نقشی عجب بود نقدی نفیس
(همان: ۶۲/۱۳۵۵)

شاعر جزءِ دوم ترکیب «پنهان‌نویس» را با واژهٔ «نفیس» هم‌قافیه کرده‌است.

تیغ نظامی که سرانداز شد کند نشد گرچه کهن‌ساز شد
(مخزن‌الاسرار: ۲۹/۱۷)

در بیت پیش شاعر جزء دوم ترکیب «سرانداز» را با واژهٔ «کهن‌ساز» هم‌قافیه کرده‌است.

آب ز نرمی شده قاقم‌نمای طُرفه بود قاقم سنجاب‌سای
(همان: ۴۳/۲۶)

در آن وحشت آباد فترت‌پذیر شده دولت شه مرا دستگیر
(اقبال‌نامه: ۱۳۱۹/۵۱)

در بیت پیش شاعر به خاطر هم‌قافیه کردن با واژه »دستگیر» ترکیب «فترت‌پذیر» را ایجاد کرده که باعث ایجاد موسیقی کناری شده‌است.

عروسی ز پایین‌پرستان او کزو بود خرم شبستان او
(همان: ۱۳۳۵/۴۱)

زان نهادم که این چنین گنجی نبود بی جزا و پارنجی
(هفت‌پیکر: ۷۰۰/ ۱۱۲)

شاعر در بیت نخست، جزءِ دوم ترکیب «پایین‌پرستان» را با واژهٔ «شبستان»، و در بیت دیگر «پارنج» را با گنج - گویا به قیاس با کلمهٔ مرکب «دست‌رنج»- هم‌قافیه کرده‌است.

چون ابن‌سلام از آن نیازی شد نامزد شکیب‌سازی
(لیلی‌ومجنون: ۲۸/۴۹۷)

در این بیت برای هم‌قافیه ساختن «نیازی» (نیازمندی) کلمهٔ مرکب «شکیب‌سازی» ساخته شده‌است.

آن باد که این دُهُل‌زبانی باشد تهی از تهی‌زبانی
(همان: ۵۹/۵۰۰)

www.SID.ir

Arshive of SID

دو کلمهٔ «دُهُل‌زبانی» و «تهی‌زبانی» از ترکیبات رسا و پرمعناست.

دادیم زبان به مهر و پیوند و امروز همی کشی زبان‌بند
(همان: ۹۷/۵۰۱)

ترکیب «زبان بند» برای هم‌وزنی با کلمهٔ مفرد «پیوند» ساخته شده‌است. شاید به ذهن برسد ترکیبات مصرع دوم بیشتر از روی اجبارند، چون شاعر اغلب زمانی مصرع دوم را می‌گوید که مصرع اول را گفته باشد. اما این چندان صحیح نیست. شاعران اغلب می‌توانند با جابه‌جایی دو مصرع مشخص نکنند کدام کلمهٔ قافیه را اول به طور طبیعی و کدام کلمه را از روی ناچاری و فقط برای پرکردن وزن یا هماهنگ کردن موسیقی به زبان آورده‌اند. به عبارتی دیگر، دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد کدام کلمه دیرتر به ذهن شاعر نشسته‌است اما با شگردهایی می‌توان فهمید که شاعر کدام یک از دو کلمهٔ قافیه را اول و کدام را دوم گفته‌است و آن شگرد توجه به دایرهٔ واژگان زبان شاعر است. در دایرهٔ واژگان شاعری مثل نظامی اگر واژه‌هایی مثل«سجده‌پیوند»، «رعایت‌ساز»، «رایگان‌گرد»، «نشاط‌مند»، «چابک‌اندیش»، «اسیربند»، «پارسی‌خوان»، «زلیخاپناه»، «دانش‌آباد» و ... وجود داشت، طبیعتاً باید قبل از نظامی آنها را به کار می‌بردند، همان‌طورکه قاسمی‌پور (۱۳۹۰: ۱۱۸) گفته‌بود، اگرچه هیچ سامانه‌ای به چنین بررسی‌ای دست نزده تا مشخص کند کدام یک از این ترکیبات قبل از نظامی وجود داشته و کدام ساختهٔ ذهن تیز و واژه‌پرداز نظامی است، اما کسانی که یک بار آثار نظامی را به دست بگیرند، متوجه می‌شوند که بسیاری از ترکیبات مختص نظامی است. در زیر یکی از تکواژهای پربسامد اشعار نظامی بررسی می‌شود تا این امر بیشتر روشن شود.

نگارندگان مقاله برای نشان‌دادن نقش نظامی در ترکیب‌سازی تلاش کرده‌اند تا از طریق‌سامانه‌هایی اثبات کنند که این ترکیبات از آنِ نظامی است. پس از دو منبع وبگاه گنجور (http://ganjoor.net) و «فرهنگ‌نامه شعری براساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات»، تألیف دکتر رحیم عفیفی (۱۳۷۶)، ترکیبات مورد نظر این مقاله را بررسی کردند و نتایج زیر حاصل شد:

۱- تعدادی از این ترکیبات فقط در آثار نظامی به کار رفته‌است، پس نظامی به احتمال‌قریب به یقین آنها را ساخته و در جایگاه قافیه استفاده کرده‌است، مانند: دانش‌آباد، داغ‌سازی، راستاراست، انصاف‌سازی، زلیخاپناه، سجده‌پیوند، سِحرافروز، صلح‌سازی، طعام‌خواری، تضرع‌ساز، عذرساز، پیش‌رکاب، آتشین‌تاب، سنجاب‌سای، رعایت‌ساز، قاقم‌نمای، فترت‌پذیر، نشانه‌گاه، پنهان‌نویس، شکیب‌سازی، تهی‌ساز، سیم‌سنج، دُهُل‌زبانی، طوق‌سازی،

www.SID.ir

Arshive of SID

زخمناک، نشاط‌مند، دُهُل‌ساز، خام‌دستی، خلاف‌رایی، شفاساز، چیره‌باز، زبان‌فروشی، نظاره‌سازی، انگبین‌خانه، دوادساز، نخچیرسازی.

۲- تعدادی از این ترکیبات علاوه بر نظامی، در اشعار بعد از نظامی نیز به کار رفته‌است، پس برساختهٔ نظامی است و دیگران از آن استفاده‌کرده‌اند. امیرخسرود دهلوی، از مقلدان نظامی، بیش از دیگران از ترکیبات او استفاده کرده: خنده‌ناک (عرفی شیرازی، نیمایوشیج، عبید زاکانی)، نظرتاب (بیدل دهلوی)، کهن‌زاد (عطار نیشابوری)، خلوت‌ساز (عطار نیشابوری، اوحدی مراغه‌ای)، خجسته‌نامان (امیرخسرو دهلوی)، آتش‌خانه (رضی‌الدین آرتیمانی، عرفی شیرازی، صائب، طالب آملی)، ورق‌مال (امیرخسرو دهلوی)، زودازود (مولوی، امیرخسرو دهلوی)، آسمان‌گیر (مولوی، امیرخسرو دهلوی، اقبال لاهوری)، رایگان‌گرد (امیرخسرو دهلوی)، پایین‌پرستان (امیرخسرو دهلوی)، نظربسته (عطار، وحشی بافقی، صائب تبریزی، پروین اعتصامی)، گنجینه‌سنج (محتشم کاشانی)، کهن‌ساز (عطار، بیدل دهلوی، اقبال لاهوری)، تهی‌میانی (امیرخسرو دهلوی)، زبان‌بند (عطار، سعدی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، رضی‌الدین آرتیمانی، شمس‌قیس رازی، طالب آملی)، نکته‌ساز (وحشی بافقی)، ادب‌ساز (بیدل دهلوی)، نوحه‌ساز (نظامی: «ی» مصدری، عوفی: «ی» وحدت، وحشی بافقی: «ان» جمع، محتشم کاشانی: صفت فاعلی نوحه‌ساز)، دستان‌ساز (نظامی: به معنای نوازنده و دستان‌پرداز، وحشی بافقی: به معنای نوازنده و خواننده)، خشم‌ساز (وحشی بافقی: خشم‌سازی)، سفرساز (وحشی بافقی: سفرسازنده)، تحت‌گیر (امیرخسرو دهلوی)، گنج‌پرداز (سنایی، اوحدی)، غمزه‌سازی (سنایی غزنوی)، آب‌دستی (عارف اردبیلی در *فرهادنامه* به تقلید از *خسرو و شیرین* نظامی)، سحرساز (امیرخسرو دهلوی).

دلیل دیگری که اثبات می‌کند نظامی در ترکیب‌سازی تبحر خاصی داشته نظر نظامی‌پژوهان است. برات زنجانی صفحات زیادی از کتاب «احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی» را به ترکیب‌سازی‌های نظامی اختصاص داده و نوشته‌است که نظامی فقط با پسوند «گاه»/ «گه» ترکیبات زیر را ساخته‌است:

«ساحل‌گاه، عنوان‌گاه، دولت‌گاه، بیغوله‌گاه، دعوت‌گاه، غارت‌گاه، دوارگاه، سیل‌گاه، سرین‌گاه، وطن‌گاه، حوالت‌گاه، تاراج‌گاه، عطف‌گاه، ناموس‌گاه، عرض‌گاه، خصومت‌گاه، فراخی‌گه، بالین‌گه، عبرت‌گه، زرع‌گه، بلندی‌گه، طنزگه، بوسه‌گه، محراب‌گه، گورگه، پرخاش‌گه، پایین‌گه، غارگه، دیوان‌گه»

ترکیبات جدید با واژهٔ نامه: «نوش‌نامه، هوس‌نامه، حکم‌نامه، روزنامه، هنرنامه، تسلیم‌نامه، ره‌نامه، خردنامه، رصدنامه، لقب‌نامه» (زنجانی، ۱۳۷۲: ۱۳۵).

www.SID.ir

Arshive of SID

۴-۱- تکواژ ساز/ sâz-

برای اثبات اینکه نظامی ترکیبات تازه را در تنگنای قافیه ساخته‌است، یکی از تکواژهای پربسامد وی بررسی می‌شود، تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

الف- شاعر از این تکواژ چه مقدار در خلق واژهٔ جدید استفاده کرده‌است؟

ب- این مقدار واژه‌ای که شاعر ساخته در چه محیطی به کار برده شده‌است؟

تکواژ «ساز» گویا دو اصل یا ریشه دارد: بن فعل یا مادهٔ مضارع از مصدر ساختن، و وسیله‌ای در موسیقی. نظامی «ساز» را در هر دو معنا به کار برده‌است اما در این بخش تکواژی که در ساخت کلمهٔ مرکب نقش دارد و واژهٔ تازه ساخته بررسی می‌شود. هدف این است که نشان داده شود این ترکیبات اغلب برای پر کردن خلاءِ وزنی قافیه ساخته شده‌اند. در خمسهٔ نظامی مجموعاً ۱۴۶ ترکیب؛ *مخزن‌الاسرار*: ۱۲، *خسرو و شیرین*: ۳۹، *هفت‌پیکر*: ۴۰، *لیلی و مجنون*: ۱، *شرف‌نامه*: ۳۹ و *اقبال‌نامه*: ۱۵ ساخته شده‌است[۳]. در ادامه، نخست تعدادی از این واژه‌ها یا ترکیبات ذکر می‌شوند:

---------- کهن‌ساز / ---------- سرانداز (م، ۲۹/۱۷)
---------- نکته‌ساز / ---------- عشق‌باز (م، ۱۲/۲۹)
---------- داود ساز / ---------- ایاز (م، ۵۴/۳۱)
---------- ادب‌ساز / ---------- باز (پرنده) (م، ۱۱/۷۰)
---------- تهی‌ساز کرد / ---------- بازکرد (م، ۷۸/۸۶)
---------- خاموش ساز / ---------- باز (م، ۴۶/۸۸)
---------- دُهُل ساز / ---------- آواز (خ ، ۴/۱۳۱)
---------- انصاف‌سازی / ---------- بازی (خ، ۳۱/۱۴۹)
---------- سحرسازی / ---------- شیشه‌بازی (خ، ۲/۱۵۰)
---------- طوق‌سازی / ---------- بازی (خ، ۷۴/۲۹۲)
---------- کیسه‌پرداز / ---------- شفاساز (خ، ۹۱/۳۰۸)
---------- غمزه‌سازی / ---------- ترکتازی (خ، ۱۴/۴۹۱)
---------- نظاره‌سازی / ---------- حقه‌بازی (خ، ۵۸/۵۴۰)
---------- نوحه‌سازی / ---------- نیازی (خ، ۴۴/۵۴۳)
---------- داغ‌سازی / ---------- چراغ‌بازی (ل، ۴۱/۵۵۵)
---------- تضرع‌ساز / ---------- آواز (ه، ۱۰۶/۶۷۳)
---------- دستان‌ساز / ---------- لعبت‌باز (ه، ۱۲۸/۶۷۴)
---------- ولایت باز / ---------- رعایت‌ساز (ه، ۹۴/۶۸۵)
---------- نخجیرسازی / ---------- دست‌بازی (ش، ۱۱۹/۹۷۵)
---------- تیغ‌بازی / ---------- صلاح‌سازی (ش، ۸۳/۹۹۷)
---------- عذرساز / ---------- فراز (ش، ۲۷۶/۱۱۰۴)
---------- خشم‌ساز / ---------- باز (ش، ۴۴۹/۱۱۱۶)
---------- نمازی / ---------- رزم سازی (ش، ۲۲/۱۱۲۸)
---------- سفرساز / ---------- باز (ا، ۸۴/۱۳۶۸)
---------- رودساز / ---------- دراز (ا، ۲/۱۴۴۹)

www.SID.ir

Arshive of SID

این فقط اندکی از تلاش نظامی برای ساخت واژه‌های جدید در جایگاه قافیه است. پس باید سپاسگزار شاعرانی بود که دست به چنین ابتکاراتی زده‌اند و شاید اگر در زمان معاصر هم محدویت قافیه بود و شعر نو، سپید و دیگر شعرها همه‌گیر نمی‌شدند، باز این ترکیب‌سازی و ساخت‌واژه‌های تازه ادامه داشت، اما به هر رو، هر نوآوری زیبایی‌هایی نیز در پی دارد و شعر معاصر هم در نوع خود زیبایی‌هایی دارد.

تکواژ «ساز» در شعر نظامی، گاه چنان ماهرانه در دل ترکیبات به کار رفته‌است که خواننده دقیقاً نمی‌داند که «ساز» بن فعل است یا آلت موسیقی:

درآوردند مرغان دُهُل‌ساز سحرگه پنج نوبت را به آواز
(خسرو و شیرین: ۴/۱۳۱)

یافته در نغمهٔ داودساز قصهٔ محمود و حدیث ایاز
(مخزن‌الاسرار: ۵۴/۳۱)

سرا چون هاتف دل دید دم‌ساز برآورد از رواق همت آواز
(خسرو و شیرین: ۱/۱۴۰)

زند زرتشت نغمه‌ساز بر او مُغ چو پروانه خرقه‌ساز بر او
(هفت‌پیکر: ۴۱/۶۹۱)

رونده رهی زن که بر رودساز چو عمر شه آن راه باشد دراز
(اقبال‌نامه: ۲/۱۴۴۹)

این اشعار نشان‌دهندهٔ قدرت نظامی در کشف ترکیبات است و نیز باید به قدرت قافیه و اهمیت آن در گسترش واژگان زبان فارسی توجه بیشتری کرد. در تحقیقی مشابه (ظهوری، ۱۳۹۴) در اشعار سعدی، نشان داده شده که سعدی نیز برای گذر از تنگنای قافیه واژه‌های فراوانی از عربی قرض گرفته و وارد زبان فارسی کرده. این امر نشان دهندهٔ نقش قافیه در زبان فارسی است که تا حال مجهول مانده و کمتر بدان توجه شده‌است.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص شد نظامی در ترکیب‌سازی مهارت زیادی دارد و کمیت ترکیب‌سازی و نوآوری او پوشیده نیست. با کمی دقت در جایگاه ترکیب‌هایی که نظامی در شعر ساخته، مشخص می‌شود او بیشتر این ترکیبات را برای پرکردن خلاءِ قافیه ساخته‌است. یعنی اگر تنگنای قافیه نبود، شاید نظامی این مقدار واژه به واژه‌های زبان فارسی نمی‌افزود. در این تحقیق تکواژ «ساز»، از تکواژهای پربسامد خمسهٔ نظامی نیز به عنوان شاهد آورده شد. نظامی از این تکواژ مجموعاً ۱۴۶ بار در ساخت ترکیبات و واژه‌های جدید استفاده کرده‌است که

www.SID.ir

Arshive of SID

عمدتاً در جایگاه قافیه بوده به جز سه بار در *مخزن الاسرار*، چهار بار در *خسرو و شیرین*، هشت بار در *هفت‌پیکر*، سه بار در *شرف‌نامه* و سه بار در *اقبال‌نامه*. یعنی ۸۵درصد در جایگاه قافیه و کمتر از ۱۵درصد -۲۱ بار - در جایگاه غیرقافیه. این امر نشان می‌دهد که این ترکیبات بدیع به احتمال قوی برای پرکردن قافیه بوده‌است و از اینجا نقش قافیه در گسترش واژه‌های زبان فارسی مشخص می‌شود.

پی‌نوشت

۱. در بخش‌هایی از مقاله، به آثار نظامی با نشانه‌های اختصاری اشاره شده‌است: م، *مخزن‌الاسرار*؛ خ، *خسرو و شیرین*؛ ه، *هفت‌پیکر*؛ ل، *لیلی‌ومجنون*؛ ا، *اقبال‌نامه*؛ ش، *شرف‌نامه*.

۲. منظور از استعارهٔ مرده در اینجا فقط dead metaphor نیست بلکه هر نوع استعاره‌ای است که تازگی خودش را از دست داده و پژمرده شده‌است و به کار بردنش در شعر چندان لطف و هنری ندارد. استعاره مرده فقط استعاره‌ای است که به سبب کثرت استعمال از نشان دادن هر گونه رابطه و تشابهی باز مانده باشد. مانند آوردن «کمان» در وصف ابروی یار (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

۳. البته باید خطای انسانی را نیز در این شمارش نظر گرفت.

منابع

افراشی، آ. ۱۳۸۶. *ساخت زبان فارسی*، تهران: سمت.

رضایی، ه. ۱۳۹۰. *امکانات دستوری در بوستان سعدی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات گیلان.

زنجانی، ب. ۱۳۷۲. *احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی*، تهران: دانشگاه تهران.

سبزعلیپور، ج. ۱۳۹۲. «امکانات دستوری و لزوم توجه به آنها در شعر فارسی (مطالعه موردی: *شاهنامه فردوسی*». *دستور*، (۱۰): ۸۹-۱۱۶.

سمیعی (گیلانی)، ا. ۱۳۷۹. «ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه‌سازی». *نشر دانش*، (۳۰): ۱۳-۱۶.

شریفی، م. ۱۳۸۷. *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: معین.

صادقی، ع. ا. ۱۳۵۷. *تکوین زبان فارسی*، تهران: دانشگاه آزاد ایران.

ـــــــــــ . [سرپرست] ۱۳۹۲. *فرهنگ جامع زبان فارسی*، ج۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ظهوری، ف. ۱۳۹۴. *بررسی نقش قافیه در گسترش واژه‌های عربی در فارسی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، رشتهٔ ادبیات تطبیقی عربی- فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

www.SID.ir

Arshive of SID

عاصی، س. م. ۱۳۷۱. «نقش ترکیب در گسترش واژگان زبان فارسی با نگرشی بر آثار نظامی». *فرهنگ*، (۱۰): ۲۹۷-۳۱۶.

عفیفی، ر. ۱۳۷۶. *فرهنگ‌نامه شعری براساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، شامل ترکیبات، کنایات، اصلاحات*، ۳ جلد، تهران: سروش.

علی‌یوسفی، ح. ۱۳۷۰. «ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار». *مجلهٔ رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، (۲۵): ۲۶-۳۱.

غلامعلی‌زاده، خ. ۱۳۹۰. *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیاء کتاب.

قاسمی‌پور، ق. ۱۳۹۰. «ترکیب‌سازی در پنج‌گنج». *متن‌شناسی ادب فارسی*، (۱۰): ۱۱۷- ۱۳۶.

لازار، ژ. ۱۳۸۴. *شکل‌گیری زبان فارسی*، ترجمهٔ مهستی بحرینی. تهران: هرمس.

نظامی، ج. ا. ۱۳۸۲. *کلیات نظامی، مطابق نسخهٔ و. دستگردی*، به اهتمام پ. بابایی، تهران: علم.

www.SID.ir